



مسئله انتهایی بولوار شاهنامه، یکی از نازیباترین مناظر توس است

پساب وزبانه جاری در کشف رود

۵۴



عکس: حدیث فقییری/شهرآرا

زمین اسکیت پارک ملت، پاتوق ورزشی متفاوتی
برای بچه‌های شهر ماست

سوار بر چرخ‌های هیجان

۶



ساکنان بولوار شاهنامه، زمانی طولانی
چشم به راه رسیدن اتوبوس‌ها می‌مانند
رنج هر روزه توسی‌ها

۲

نوجوان محله سیدرضی تجربه‌های متفاوتی غیر
از درس خواندن دارد
در میدان حرفه و هنر

۷

همسایه به همسایه، دیدار شانزدهم، سیدرضی ۵۵

همسایه‌هایی که قوم و خویش شدند

فهمه شهری اوسط آیرتمان های سربه آسمان کشیده بولوار آموزگار، در سیدرضی ۵۵ یک خانه ویلایی هست که درختانش قدکشیده و صدای چهچهه پرندگان آن، توجه هر رهگذری را به خود جلب می‌کند. مصطفی همدانی شاید ابتدا به خاطر این خانه و حیاط باصفایش بین همسایه‌ها زبانزد شد. اما اخلاق خوب و خوش مشرب بودنش باعث شده است با همه همسایه‌ها سلام و علیک داشته‌واز حالشان باخبر باشد. آقامصطفی تنها همسایه مردم دار این کوچه نیست؛ همسایه‌های این خیابان فراتر از ارتباط همسایگی، باهم وصلت کرده‌اند و ارتباط قوم و خویشی دارند.

دغدغه سرسبز کردن محله

مصطفی همدانی به خاطر علاقه‌ای که به گل و گیاه دارد، نه تنها حیاط خانه‌اش را سرسبز کرده، بلکه دغدغه سرسبزی کوچه‌اش را هم دارد و درباره درخت کاری، هرس درختان، آسفالت و... با همسایه‌های پیش مشورت و امور را پیگیری می‌کند. او که خادم حرم است، موقع بیماری همسایه‌ها، در صورت نیاز، آن‌ها را به دکتر و درمانگاه می‌رساند، یا ماشینش را در اختیارشان می‌گذارد. او مهدی مقیمی را یکی از همسایه‌های خوش صحبت می‌داند و او را فردی خاکی، خوش صحبت و با معرفت معرفی می‌کند. مقیمی که مثل همدانی به گل و گیاه علاقه دارد، به او در هرس و رسیدگی به درختان کوچه کمک می‌کند. گاهی برای پرندگان غذا می‌آورد و این‌ها بهانه‌ای هستند برای اینکه از حال یکدیگر و دیگر همسایه‌ها باخبر شوند.

همسایه به همسایه

۱۱

● وصلت با همسایه

مهدی مقیمی در گذشته راننده کامیون بوده و حالا بازنشسته شده است. باتوجه به اوقات فراغتی که دارد، وقتی دیده همدانی تمایل به گرفتن دستگاه جوجه‌کشی دارد اما به خاطر نداشتن وقت کافی نمی‌تواند از آن به درستی استفاده کند، بدون هیچ چشمداشتی پیشنهاد کرده که حاضر است در این کار به او کمک کند. آقامهدی همچنین وقتی یکی از همسایه‌هایش در بیمارستان بستری شده، به عنوان همراه کنارش بوده است. او همسایه‌هایش را افرادی نجیب و محترم می‌داند و می‌گوید: خانه من قبل از سه‌راه زندان بود. آنجا همسایه‌ها چندان صمیمی نبودند. الان هشت سال است که اینجا ساکنم و واقعاً هر روز خدا را به خاطر داشتن چنین همسایه‌هایی شکر می‌کنم. دختر مقیمی باپسر علیرضا طاهری ازدواج کرده است و در کنار همسایگی ارتباط قوم و خویشی دارند. نوه پنج‌ساله او که ماحصل همین ازدواج است، هر بار به اینجا می‌آید، بین خانه دو تا پدر بزرگ‌هایش در رفت و آمد است.

● بی تفاوت نیستیم

مقیمی، علیرضا طاهری را فردی محترم و بی‌آزار خطاب می‌کند و می‌گوید: من که بیمارستان بودم، آقای طاهری همراهم آمد. می‌دانم هر مشکلی پیش بیاید، از هیچ کمکی دریغ نمی‌کند و اولین نفری است که خودش را می‌رساند. این دود را یام ماه محرم و صفر هر روز باهم به روضه می‌روند. آقا علیرضا همسایه‌هایش را افرادی گره‌گشا می‌داند و می‌گوید: به مشکلات همسایه‌ها بی تفاوت نیستیم و به هم کمک می‌کنیم. به گفته او این کمک‌ها از مالی گرفته تا مسائل روزمره را شامل می‌شود. آقا علیرضا تعریف می‌کند: چند روز پیش ماشین یکی از همسایه‌ها روشن نمی‌شد. تعمیرکار آشنا داشتم؛ زنگ زد و آمد و بدون اینکه هزینه چندانی بگیرد، ماشین را درست کرد. به نظر او همین همفکری‌ها و کمک‌های همسایه‌ها به هم کلی ارزش دارد.

او می‌گوید: خدای نکرده اگر همسایه‌ای عزا دار شود، در مراسم شرکت و از او دلجویی می‌کنیم. خریده‌هایش را انجام می‌دهیم و در صورت لزوم ماشین در اختیارش می‌گذاریم. اگر بیمار باشد، به عیادتش می‌رویم و خلاصه اینکه از هم بی خبر نیستیم و به داد هم می‌رسیم. به نظر او همسایه‌ها باید اخلاق و انسانیت داشته باشند تا هر وقت همسایه‌اش مشکلی داشت، بتواند به او رو بپندازد و کمک بخواهد.



دو چرخه‌ات را رایگان پارک کن

پارکینگ عمومی ویژه دو چرخه‌های شخصی به رایگان در دسترس شهروندان قرار گرفت. این مجموعه در سطح پارکینگ آزادی و در ضلع شمالی بوستان ملت جانمایی شده و شبانه‌روزی مهیای ارائه خدمات است. پارکینگ عمومی دو چرخه‌ها به همت شرکت توسعه ارتباطات ترافیکی راه‌اندازی شده است و تحت نظارت تصویری قرار دارد.

شهر خبر

۱۱

تروتمیز کردن آسفالت دانش آموز

در پی گزارش شهروندان مبنی بر بروز ناهمواری در بولوار دانش آموز، لکه‌گیری آسفالت این معبر انجام شد. این اقدام به همت اداره عمران و حمل و نقل منطقه و با هدف پاسخ‌گویی به مطالبات شهروندی اجرایی شد. باتوجه به درخواست‌های مردمی این دومین مرحله لکه‌گیری آسفالت در بولوار دانش آموز از ابتدای سال تاکنون است.

دختران در پاتوق کوثر

پاتوق دخترانه کوثر به میزبانی بوستان برکت آغاز به کار کرد. این برنامه فرهنگی به همت شهرداری منطقه ۱۱ و ویژه دختران ۹ تا ۱۵ سال برپا شده است و تا پایان تابستان ادامه دارد. هدف از برگزاری این طرح، غنی‌سازی اوقات فراغت دختران در کارگاه‌های مهارت‌آموزی و نشست‌های پرسش و پاسخ است.



شهردار منطقه ۱۱ از تشکیل کارگروه برای رفع سد معبر نمایشگاه داران خودرو خبر داد

دفاع از حقوق شهروندی

بهشتی ۱ بیش از بیست سال پیش، فعالیت نمایشگاه داران خودرو در حاشیه بولوار معلم آغاز شد. سد معبر در مسیر پیاده‌رو از سوی بانیان این کسب و کار همواره مورد انتقاد شهروندان محله‌های دانشجو و تربیت بوده است و درخواست‌ها در این زمینه نتیجه‌ای در بر نداشته است. شهردار منطقه ۱۱ از برگزاری جلسه برای سامان‌دهی وضع موجود خبر داد و گفت: نیاز بود که برای برقراری انضباط شهری از سوی نمایشگاه داران خودرو بولوار معلم، چند سازمان و اداره مرتبط پای کار بیایند که این کار انجام شد. مهدی عرفانیان افزود: با حضور نمایندگانی از پلیس راهور، نیروی انتظامی، سازمان سامان‌دهی مشاغل شهری، دادسرای ناحیه ۶ و اتحادیه نمایشگاه داران خودرو کارگروهی تشکیل شد تا احقاق حقوق شهروندان را در این زمینه پیگیری کند.

وی درباره اقدامات بازدارنده گفت: مقرر شده است در صورت بروز تخلف، واحد صنفی متخلف به کمیسیون بند ۲۰ معرفی شود؛ همچنین فرهنگ سازی برای رفع این نوع سد معبر با همکاری اتحادیه نمایشگاه داران خودرو آغاز شده است.

این هم بیشتر می شود. راضیه سخنوری یکی دیگر از اهالی بولوار شاهنامه است که موضوع را به صورت تلفنی با ما مطرح کرده است. او می گوید: از مشکلات زیرساختی که بگذریم، واقعا سرویس دهی با هر ۴۵ دقیقه چه معنی ای دارد؟ باور کنید ما زمان توقف ۴۵ دقیقه ای را هم در این ایستگاه ها تحمل کرده ایم!

این شهروند می گوید: ما به صورت طبیعی برای رسیدن به میدان فردوسی یا میدان آزادی یک ساعت در مسیر هستیم؛ حالا شما معطلی در ایستگاه اتوبوس را هم به آن اضافه کنید. آیا این در حق ما و خانواده و بچه هایمان منصفانه است؟ وقتی هم که اتوبوس می رسد، پراز جمعیت است؛ چرا؟ چون آن قدر دیر آمده که مردم در ایستگاه ها صف کشیده اند.

● همه چیز مشروط به تحویل اتوبوس های جدید است

رئیس ناحیه یک سازمان اتوبوس رانی شهرداری مشهد با اشاره به خطوط فعال در بولوار شاهنامه می گوید: در مسیر خط ۲۰۲، تعداد ناوگان فعال سیزده دستگاه و در مسیر خط ۲۰۲/۲ ناوگان فعال هفت دستگاه است. برنامه ریزی ما برای سرفاصله زمانی حضور اتوبوس ها در ایستگاه ها برای ساعات ابتدای روز، پنج دقیقه و برای ساعات عادی روز، پانزده دقیقه است.

حسن رضا کریمی با اشاره به بروز نقص فنی و ترافیک و طولانی بودن مسیر می گوید: گاه با مشکلاتی روبه رو می شویم که گریزی از آن نیست. برای مثال خرابی ناوگان ممکن است منجر به این شود که یک یا چند دستگاه از دسترس ما خارج و سرفاصله زمانی دچار تغییر شود. ترافیک و طولانی بودن مسیرهای منتهی به بولوار شاهنامه هم در به هم ریختن این نظم تأثیر دارد.

در ادامه و با ارائه گزارش مادر باره مشاهده میدانی از وضع موجود، کریمی، سرفاصله زمانی ۲۵ تا ۳۵ دقیقه ای را در برخی موارد می پذیرد و می گوید: مادر این دو مسیر با کمبود ناوگان مواجه هستیم. گاهی با اضافه کردن سرویس نیم دور سعی در پوشش این خلأ داریم اما همیشه کافی و کارساز نیست.

وی ادامه می دهد: شهرداری مشهد قرارداد خرید بیشتر از ۴۰ دستگاه اتوبوس را دارد که امیدواریم تا پایان سال به مرحله پایانی و تحویل اتوبوس ها برسد. اگر این کار انجام شود، قول می دهیم که پیگیر سهمیه برای ناحیه یک باشیم و رفع مشکل اهالی بولوار شاهنامه را در اولویت قرار دهیم.



● با این اتوبوس ها برنامه ریزی معنایی ندارد در فاصله رسیدن اتوبوس های بولوار شاهنامه با اهالی صحبت می کنیم که گاهی خشمگین هستند و گاهی آرام. آن ها از تکرار این وضعیت و اینکه مسئولان توجهی به این شرایط ندارند، عصبانی هستند و از طرفی هم عادت کرده اند و چاره ای نمی بینند.

منیره شعبانی می گوید: دخترم برای رسیدن بموقع به اتوبوس همیشه استرس دارد. این روزها ساعت ۵ بعد از ظهر در بولوار راهنمایی کلاس دارد. ساعت ۲ که می شود، دیگر آرام و قرار ندارد که به موقع برسد، اتوبوس هست یا نه، جا پیدا می کند که سوار شود یا نه و....

با علی هاشمی هم که صحبت می کنیم، به همین موضوع اشاره می کند. او می گوید: من سه سال است از اتوبوس استفاده می کنم. باور کنید هر روز و هر ساعت وضعیت همین است. اینجا با حدود ۳۵ هزار نفر جمعیت دو خط اتوبوس دارد. همین دو خط هم درست خدمات نمی دهند. ما هرجا می خواهیم برویم، باید ۴۵ دقیقه را برای معطلی ایستگاه اتوبوس در نظر بگیریم. بعضی وقت ها از

ساکنان بولوار شاهنامه، زمانی طولانی چشم به راه رسیدن اتوبوس ها می مانند

رنج هر روزه توسی ها

بهشتی ایستگاه اتوبوس میدان هفت خان محل توقف ماست. برای رسیدن اتوبوس های بولوار شاهنامه به انتظار ایستاده ایم. هوا گرم است و حتی تصور اینکه هر روز شهروندان محدوده منفصل شهری توس، بخشی از زمان خود را در این ایستگاه ها معطل اتوبوس می شوند، رنج آور است. فاصله رسیدن دو اتوبوس خط ۲۰۲/۲ به ۲۹ دقیقه می رسد و دو اتوبوس خط ۲۰۲ هم با فاصله ای ۳۵ دقیقه ای می رسند! زمان هایی عجیب و طولانی که باشعارهای یک دهه اخیر مدیریت شهری در حوزه توسعه حمل و نقل عمومی قربانی ندارد.

دلیل حضور مادر ایستگاه، گلایه اهالی درباره دیر رسیدن اتوبوس بود و آنچه پیش آمد، گواه گفته های آنان است.



پیراستن درختان

از هفته گذشته، هرس شاخه های درختان معابر منطقه ۱۲ در نواحی سه گانه آغاز شده است. این اقدام به همت اداره فضای سبز منطقه و با هدف پیشگیری از بروز خطر احتمالی درگیر شدن سرشاخه ها با کابل های شبکه برق انجام می گیرد. هرس شاخه های معارض پس از بازدید کارشناسان یادخواست های شهروندی انجام می شود.

حرکت به سمت «شهر هموار»

با اجرای عملیات لکه گیری آسفالت، همسطح سازی معابر محدوده الهیه به منظور تسهیل تردد شهروندان انجام گرفت. این اقدام عمرانی اداره عمران و حمل و نقل شهرداری منطقه ۱۲ با هدف تحقق شعار «شهر هموار» اجرایی شد. برای لکه گیری آسفالت معابر الهیه، از شصت تن آسفالت در شش معبر اصلی و نه معبر فرعی استفاده شد.

رحمانیه پاک سازی شد

عملیات پاک سازی بولوار رحمانیه به همت اداره خدمات شهری منطقه ۱۲ اجرایی شد. در پی بارش های رگباری تیرماه و همچنین تخلیه زباله یا نخاله های ساختمانی در مسیر جداول آب، این مسیرها تخلیه و پاک سازی شدند. با این اقدام که در معابر فرعی و اصلی بولوار رحمانیه انجام گرفت، بیش از سه تن زباله توسط پاکبانان جمع آوری و تخلیه شد.

اعضای شورای اجتماعی محلات منطقه ۱۲ از پروژه های شهری بازدید کردند

نمایندگان مردم آگاه از تحول محلات

اعضای شورای اجتماعی محلات منطقه ۱۲ در برنامه ای که به همت اداره روابط عمومی شهرداری منطقه برپا شد، در محل احداث پروژه های شهری حضور یافتند و از میزان پیشرفت طرح ها و تأثیر آن ها بر منطقه و محلات آگاه شدند. این برنامه به این منظور برپا شد تا اعضای شورای اجتماعی محلات که پل ارتباطی شهرداری و مردم هستند، از خدمات ارائه شده توسط مجموعه مدیریت شهری اطلاع یابند و مردم را هم با برنامه ها آشنا کنند.

در این بازدید که بیش از دو ساعت به طول انجامید و بیش از سی عضو شورای اجتماعی محله در آن حاضر بودند، میزان پیشرفت پروژه ها، اعتبار اختصاصی، رویکرد طرح، انتفاع محلی و جزئیات طرح با حضور کارشناسان عمرانی تشریح شد. تقاطع چهار سطحی آزادگان، جلوخان آرامگاه فردوسی، مجموعه ورزشی شهدای شهرداری، زمین ورزشی روباز شهدای چهاربرج، معابر محدوده توس و بوستان رحمانیه، موضوع پروژه هایی بودند که اعضای شورای اجتماعی محلات از آن ها بازدید کردند.



مسئله انتهای بولوار شاهنامه، یکی از نازیباترین مناظر توس است

پساب وزباله، جاری در کشف رود



فاطمه سیرجانی در مسیر بولوار شاهنامه، بعد از گذشتن از میدان هفت خان، در انتهای این مسیر و آنجا که دیوارهای کاهگلی توس به چشم می آید، به پل کال کشف رود می رسیم؛ پلی که نقطه ورودی به شهر تاریخی توس و زادگاه شاعر پرآوازه ایران زمین حکیم ابوالقاسم فردوسی است. روی پل که می ایستیم برج و باروی شهر به خوبی در معرض دیدمان است. با گذر هر خودرو و سنگین، زمین زیر پایمان می لرزد. ساعت حدود ۱۱ ظهر است و گرمای مرداد به شدت آزاردهنده. اما بدتر از گرمای هوا بوی مشمئزکننده ای است که با هر وزش باد گرم، مشاممان را پر می کند.

منشأ پساب و سبب چپ پل است؛ جایی که تجمع آب های راکد سبزرنگ در جای جای کال دیده می شود و جولان پشه ها را در مسیر جوی کم عرض از عمق هفت هشت متری و فاصله حدود ۱۰ متری به وضوح می توان مشاهده کرد؛ موضوعی که با شیوع تب دنگی، خطر گزش از طریق پشه آندس و بیماری دیرینه سالک، حساسیت محلی ها را به آلودگی های بهداشتی محدوده محل زندگی خود بیشتر کرده است. از طرفی اینجا یک منطقه تاریخی است که هر روز مسافران بسیاری از آن گذر می کنند. از این رو و به درخواست جمعی از کسبه و ساکنان در این نقطه از شهر حاضر شدیم تا از نزدیک معضلات مربوط به کال کشف رود در محدوده شاهنامه ۹۶ ببینیم.

خاک دزدی از بستر کشف رود

بیست سالی می شود که در محدوده پل کال کشف رود زندگی می کند. عظیم حمای، یکی از کسبه وساکنان قدیمی محله، از زمانی یاد می کند که در فصل بهار این کال چنان پر آب می شد که سرتاسرش سرسبز می شد و تفرجگاه مردمان توس بود. حمای تعریف می کند: روزگاری این محدوده یکی از زیباترین مناظر شهر توس را داشت. متأسفانه امروز به جولانگاه معتادان و کارتن خواب ها تبدیل شده است. با او به سمت کال می رویم تا از نزدیک، ما را در جریان معضلات ناشی از این کال قرار دهد. حمای در حالی که به آب راکد وسط کال اشاره می کند، می گوید: چرا باید آب آلوده و کثیف کارگاه ها و کارخانجات به سمت این کال جریان داشته باشد و سبب آلودگی های زیست محیطی شود؟

وی با اشاره به مسیرهای آب راکد از دیوارهای خاکی و بتنی کنار کال به سمت پایین سرازیر است. ادامه می دهد: شهرداری، بهداشت محیط و... باید پای کار بایند و در برابر این تخلف آشکار بایستند. نه اینکه خود شهرداری، جوی کنار خیابان را به سمت این کال بکشد و رواناب های سطح خیابان به سمت این کانال هدایت شود. موضوع خاک دزدی و برداشتن شن و ماسه ته کال معضل دیگری است که این کاسب محله چهار برج به آن اشاره می کند و می گوید: زمانی در غفلت مسئولان، عده ای سود جوبه دلیل مرغوب بودن خاک بستر رودخانه کشف رود بالود و بولدوز را اقدام به برداشتن شن و ماسه و خاک قسمتی از رودخانه کردند. همین موضوع سبب شده است که شیب کال به سمت خلاف جریان آب شکل بگیرد. به همین دلیل شما اگر بالاتر بروید، شاهد برکه های بزرگ تر و با عمق بیشتر خواهید بود که درختچه ها و پوشش گیاهی بیشتری دور و اطرافش دیده می شود. اما به دلیل اینکه آب مربوط به پساب کارگاه ها و کارخانه های اطراف است و راکد، بوی بسیار مشمئزکننده ای دارد و سبب آلودگی محیط زیست می شود. او با اشاره به نزدیکی پل انتهای شاهنامه به مجموعه های تاریخی توس، یعنی آرامگاه فردوسی و بنای هارونیه ادامه می دهد: وجود چنین کالی هنگام ورود به شهر توس، زیننده و در شأن شاعر بزرگی چون فردوسی نیست. آن هم باین تعداد گردشگر داخلی و خارجی که برای بازدید از آرامگاه فردوسی بزرگ، شاعر فراملی ما، به مشهد می آیند.

نگهبانان برکه گندآب

بیشتر از جوی و برکه های ابتدای راه است. هر چه جلوتر می رویم و سکوت بیشتر می شود، صدای پرندگانی که دور برکه گنداب هستند، بیشتر به گوش می رسد. با وزش باد گرم، بوی مشمئزکننده ای مشاممان را پر می کند. دنبال راهی برای پایین رفتن و رسیدن به سرمنشأ این گنداب هستیم که با صدای پارس چندسگ در جا میخکوب می شویم. برای چند دقیقه بی حرکت به سه قلاده سگ که آن سمت کال هستند، نگاه می کنیم. یکی شان مهار شده است و دوتای دیگر آزادند. بعد از ایستادن بدون حرکت به گمان اینکه کاری به ما ندارند، عکاس، دوربین را آماده می کند تا عکسی بگیرد که دوباره پارس سگ ها شروع می شود.

برای پیدا کردن سر منشأ آب کثیف و جلبک بسته وسط کال تصمیم می گیریم به سمت بالای رودخانه حرکت کنیم. از مسیر شیب کنار پل به سوی بالای رودخانه پیش می رویم. سمت راست کال در قسمت های ظاهراً قطعه بندی شده، برخی جاها درخت کاری شده و سرسبز و بعضی جاها برهوت و بدون هیچ کشت و کار است. حمای زمین های این قسمت را متعلق به فرهنگیان می داند که آموزش و پرورش برای کارمندان خود خریداری کرده است. سمت چپ کال، ساخت و سازهایی نه چندان اصولی دیده می شود و حاشیه کال در سمت چپ، پر است از تپه هایی از خاک و نخاله های ساختمانی که رهاسازی شده است. در مسیر پیش رو، برکه بزرگ پر از آب کدوری دیده می شود که وسعت سرسبزی دور و اطرافش

جای خالی تندیس اسطوره های شاهنامه

یکی از ساکنان محله که نمی خواهد نامی از او برده شود، می گوید: اگر می خواهید واقعا برای این کال قدمی بردارید، یک غروب به همراه چند نفر از مسئولان به اینجا بیایید تا ببینید چه وضع و حالی دارد. گوشه و کنار کال پر است از معتادهایی که داخل دیوار کال را سوزانده اند و به اندازه یک نفر که بتواند آنجا بنشیند یا بخوابد، گود کرده و جاقبر ایستاده برای خود درست کرده اند. او که پدرانش سال ها همسایه فردوسی بزرگ بوده اند، باین اینکه دور و اطراف این پل باید نمادهایی از اسطوره ها و نقش آفرینان شاهنامه فردوسی جانشانی شود. نه اینکه پراز معتادانی مشغول تزئین یا استعمال مواد مخدر باشد. می گوید: چرا باید زائر و گردشگر مادر و رود به شهر توس بادی این کال آلوده و کثیف و معتادان و کارتن خواب ها خاطره ای ناخوشایند از این شهر در ذهنش ماندگار شود؟

معضلات کال
وضعیت آن، از
نمایندگان آن
که پای فرماندار
خدمات رسان و
در همین خصوص
حجت الاسلام
جماعت مسجد
قبل در مسجد
منطقه برگزار
فراوانی که در مع
گذشته، میز خده
رئیس کمیسیون
سازمان های خ
به گفته موسو
کال از وجود مع
مطرح شده در
او باینکه



وعده های بر زمین مانده مسئولان

کشف رود و نابسامانی و در دسرهای ناشی از سال ها قبل از سوی ساکنان بولوار شاهنامه و پیگیری می شده است. پیگیری ها و مطالباتی شهردار، نمایندگانی از استانداری، شرکت های ... رابه محله چهاربرج کشاند تا ناشستی مردمی ص بر گزار شود.

والا مسلمین سید مهدی راهب موسوی، امام بد صاحب الزمان (عج)، به میز خدمتی که سال شاهنامه ۶۹ برای رسیدگی به معضلات این بد، اشاره می کند و می گوید: به سبب مشکلات حدوده بولوار شاهنامه وجود داشت، پاییز سال متی با حضور شخص فرماندار، نماینده استاندار، ن حاشیه شهر، شهردار منطقه، نمایندگانی از بد مات رسان و ... برگزار شد.

ی، سامان دهی کال کشف رود و پاک سازی متادان و کارتن خواب ها از جمله موضوعات این جلسه بود.

متأسفانه از مجموع صحبت هایی که درباره

سامان دهی کال کشف رود، ساخت بوستان محلی، زمین بازی برای بچه ها و ... مطرح شد، هیچ کدام عملی نشد و در حد همان حرف ماند، می افزاید: مسئولان، تخصیص امکانات رفاهی، تفریحی، فرهنگی را به مشخص شدن طرح تفصیلی منوط کرده اند؛ حال آنکه پاک سازی این کال و رسیدگی به بهداشت محیط و جمع آوری معتادان و کارتن خواب ها ربطی به طرح تفصیلی ندارد! از طرفی چرا باید حاشیه این کال محل دپوی خاک و نخاله باشد؟ آبادانی و زیبایی اش برای جای دیگر باشد و نخاله هایش برای محله ما؟ چرا اداره بهداشت محیط با کارخانجات و کارگاه هایی که پساب کارگاه و کارخانه خود را به سمت این کال هدایت کرده اند، برخورد نمی کند؟

محمود مظفری بیش از نیم قرن است که در این محله زندگی می کند. او از روزهایی یاد می کند که در فصل بهار در مسیر رودخانه کشف رود، آب تا ارتفاع دو و حتی سه متر هم می رسید و دشت را سیراب می کرد، درست جایی که الان به کالی از گنداب و زباله تبدیل شده است. این عضو شورای اجتماعی محله چهاربرج حتی به یاد می آورد یک سال، ارتفاع آب به حدی

رسید که نه تنها پل را تخریب کرد که روستا را به زیر آب برد؛ «آن سال ها این پل حرمت داشت. وقتی خراب شد، خیلی زود همه دست به دست هم دادند و درستش کردند؛ زیرا مسیر ورودی شهر توس بود و آرامگاه فردوسی. حالا آن پل و ورودی به یکی از نازیبا ترین مسیر ها تبدیل شده و مایه شرمساری اهالی توس و محلات اطرافش است.

اونیز به نشست مسئولان در آذر سال گذشته اشاره می کند و با بیان اینکه آن نشست مردمی به پیشنهاد هیئت امنای مسجد و شورای اجتماعی محله برگزار شد، می گوید: مردم و ساکنان شاهنامه به ما اعتماد دارند. کافی است چند بار از این دست نشست های بی نتیجه برگزار و وعده های دروغ بیان شود تا دیگر اعتمادشان به ما و حرف ما هم از بین برود.

مظفری با اشاره به نصفه نیمه ماندن طرح بهسازی و سامان دهی کال کشف رود ادامه می دهد: به هیچ وجه حریم کال رعایت نشده است. عده ای آمده اند لیه کال خانه ساخته اند و در همان قسمت، کارخانه و کارگاه هایی فعال است. درست دیگر هم که وعده بهسازی و سامان دهی آن داده شده، چند سال است که می خواهند کاری انجام دهند. اما هنوز به سرانجام نرسیده است.



اعتبار هست، اقدام لازم است

رئیس کمیسیون ویژه توسعه توس شورای اسلامی شهر مشهد که در زمان شروع به فعالیت در این حوزه، خبر های خوبی درباره سامان دهی توس و به ویژه احداث پل سنتی ورودی به شهر تاریخی توس بیان کرده بود، در پاسخ به وضعیت نامطلوب این پل و کال کشف رود، می گوید: با وجود جدیتی که در شورای اسلامی شهر برای احیای منطقه تاریخی توس وجود دارد و با وجود اختصاص اعتبارات لازم طی دو سال گذشته، متأسفانه اقدامی صورت نگرفته است.

مجید طهوریان عسکری بابیان اینکه شورانیز از این وضعیت گلایه مند است، ادامه می دهد: امسال مجدداً در اعتبارات محدوده منفصل توس، همه موارد قبلی در نظر گرفته شده است و امیدواریم در سال پایانی این شورا، شهرداری مشهد جدیت بیشتر در توسعه امکانات و خدمات منطقه توس داشته باشد. او در ادامه به اقدامات خوب انجام شده در منطقه منفصل ۱۲ نیز اشاره می کند و می گوید: اقدامات دو سال اخیر با اقدامات ۱۰ سال قبل برابری می کند و به دلیل پروژه هایی چون آسفالت معابر، ایجاد کانال های جمع آوری آب های سطحی، پیاده روی و جدول گذاری، تایل فرش کردن تعدادی از خیابان های درون بافتی، رضایت بسیار خوبی شکل گرفته است.

طهوریان عسکری درباره طرح تفصیلی نیز بیان می کند: حدود جدید محدوده توس از شورای شهر به مراجع بالاتر ارسال شده است که امیدواریم به زودی شاهد جمع بندی نهایی طرح تفصیلی باشیم.



کال کشف رود سامان دهی می شود

به گفته رئیس ناحیه توس شهرداری منطقه ۱۲ قسمتی از کال کشف رود در محدوده جغرافیایی شهرداری این منطقه قرار دارد و در حال حاضر سامان دهی سمت شرق کال در حال انجام است.

محمد سالار درباره آب ریزی این کانال و جمع شدن گنداب نیز می گوید: شیب بولوار شاهنامه به سمت کال کشف رود است. وی یک خبر خوش نیز برای ساکنان بولوار شاهنامه دارد و آن اینکه امسال اعتباری برای احداث کانال جمع آوری رواناب های سطحی در بولوار شاهنامه اختصاص یافته است. سالار این کانال را به عنوان کلکتور اصلی جمع آوری آب های سطحی برمی شمرد که مسیرش از کشف رود تا بزرگراه پیامبر اعظم (ع) ادامه دارد تا از تجمع آب های سطحی و گنداب شدن آن ها در کشف رود پیشگیری شود. رئیس ناحیه توس شهرداری منطقه ۱۲ درباره سامان دهی کال کشف رود می گوید: سامان دهی این کال و زیباسازی آن به سازمان عمران واگذار شده که در حال حاضر این پروژه آغاز شده است.



با متخلفان برخورد قانونی می شود

بعد از مطرح کردن وضعیت غیر بهداشتی کشف رود با رئیس گروه سلامت محیط و کار مرکز بهداشت شماره یک شهرستان مشهد، وی از این نقطه باز دید می کند و در ادامه توضیح می دهد: تجمع پساب هادر کشف رود حداقل پل فردوسی و جاده دهشک (به موازات شاهنامه ۷۶) مشاهده شد.

حسین امام وردی زاده می گوید: شواهدی مبنی بر هدایت فاضلاب خانگی به مسیل در محدوده مذکور دیده می شود؛ لذا نیاز به بررسی دقیق تر منشأ تجمع پساب یا سیلاب از سوی دستگاه های ذی ربط از جمله آب منطقه ای و محیط زیست وجود دارد.

امام وردی زاده در ادامه می افزاید: امکان برداشت شن و تجمع سیلاب های تابستانی در گودال های ایجاد شده وجود دارد و درباره هدایت پساب صنایع غذایی یا کارگاه موزائیک سازی از ادارات مربوطه استعلام می گیریم.

رئیس گروه سلامت محیط و کار مرکز بهداشت شماره یک شهرستان مشهد در پایان از برخورد این مرکز طبق روال قانونی با افرادی که فاضلاب خانگی یا محیط کار را به مسیل هدایت می کنند، خبر می دهد.



زمین اسکیت پارک ملت، پاتوق ورزشی متفاوتی برای بچه های شهر ماست

سوار بر چرخ های هیجان

●● ساخت رمپ
با کمک قهرمانان کشوری

طی دو سه سال گذشته، زمین فعلی اغلب غیرفعال بوده است. سال گذشته آن را به مزایده گذاشتند. از آنجاکه مهدی مرتاض، مزایده را برده است، مابقی ماجرا را او توضیح می دهد: می گوید: این زمین رمپ نداشت. وقتی به من واگذار شد، دو نفر از قهرمانان کشوری رشته اسکیت را دعوت کردم و از روی نقشه ای که آن ها دادند، شروع کردم به ساخت رمپ های مختلفی که اکنون می بینید. بعد از ساخت، آن ها روی رمپ ها می رفتند و اشکالاتش را می گفتند و ما برطرف می کردیم. حالا با وجود این رمپ ها، زمین اسکیت پارک ملت جزو بزرگ ترین و مجهزترین پیست های اسکیت مشهد شده است. از مهر پارسال تاکنون چهار دوره مسابقه و یک دوره اردوی تمرینی مشترک باشگاه های اسکیت کشور در این زمین برگزار شده است. مربیان مختلفی در آن به تدریس رشته اسکیت می پردازند و با توجه به ایام تابستان و اوقات فراغت بچه ها، پیست روزهای شلوغش را پشت سر می گذارد. دسترسی راحت به پارک ملت و وجود مترو و خطوط متعدد اتوبوس باعث شده است که علاقه مندان به اسکیت بتوانند از نقاط مختلف شهر در این زمین حضور پیدا کنند.

●● تاب بازی های بعد از اسکیت سواری

ریحانه نوغانی مادر مرسانا شرافتی است. مرسانا از چهار سالگی اسکیت را شروع کرده است و اکنون در هفت سالگی یک مقام کشوری و پنج مقام استانی دارد. مادر مرسانا می گوید: پیست پارک ملت نسبت به دیگر زمین های مشهد خوب است اما نسبت به زمین های سایر شهرها هنوز کمبودهای بسیاری دارد. او ادامه می دهد: پارسال که برای مسابقات کشوری رفتیم، بچه ها باید از بالای کوه می آمدند پایین؛ ولی در مشهد، اصلا امکان چنین تمرینی ندارند و حتی یک بار روی کوه تمرین نکرده اند. غزل قوی پنجه هم دختر هشت ساله ای است که اولین جلسه آموزش را در دسپری می کند. گاهی اسکیت زیر پایش سر می خورد و به زمین می افتد. غزل پیست اسکیت پارک ملت را به دیگر پیست ها ترجیح می دهد و می گوید: اینجا چون داخل پارک است و تاب و سرسره دارد، بهتر است. بعد از اسکیت می روم تاب بازی می کنم. هوایش هم خوب است.

●● روزی که اسکیت بازان به زمین مخصوص آمدند

آقامهدی همان طور که کنار زمین فعلی اسکیت ایستاده و آفتاب ابروهایش را در هم کشیده است، دستش را به سمت زمین نشانه می گیرد و می گوید: آن زمان این قسمت پارک ملت زمین خالی بود. دار و درخت چندان هم نداشت. اینجا و سالی مثل بیل و فرغون و شن ریخته بودند. من و چند نفر دیگر از اسکیت بازان آن زمان رفتیم به شهرداری پیشنهاد کردیم که اینجا را زمین اسکیت کنند و در نهایت موافقت شد. آقامهدی به زمین کناری اشاره می کند و می گوید: آن زمین پینت بال را می بینید؟ ابتدا آنجا زمین اسکیت بود. سال ۸۰ به ما دادندش. در ورودی آن از کنار زمین تنیس بود. روز در میان خانم ها و آقایان می رفتند در آن اسکیت بازی می کردند. هزینه ورودی داشت. یاد نیست چقدر بود، ولی چون جانیفتاده بود، اسکیت بازان هنوز در پارک بازی می کردند. ما به آن ها می گفتیم بیا ایند در زمین بازی کنند ولی اغلب استقبال نمی کردند و ترجیح می دادند در فضای آزاد پارک باشند. تا اینکه دیگر اجازه بازی در پارک را به آن ها ندادند و همه ملزم شدند در پیست تمرین کنند. به گفته او سال ۸۵ زمین فعلی به زمین قبلی اضافه شده و زمین اسکیت توسعه پیدا کرده است، اما اوایل دهه ۹۰ زمین اولیه را به رشته پینت بال داده اند. در حال حاضر، زمین فعلی به دو قسمت مجزا برای اسکیت خانم ها و آقایان تقسیم شده است.

فهمه شهری ارمپ هایش

آدم را یاد سرسره بازی می اندازد. البته این سرسره ها نه نرده دارند و نه پله! باید کفش های چرخ دار بپوشی، از دور سرعت بگیری و وقتی به رمپ ها رسیدی، با کمک چرخ های زیر پایت، خودت را بالا بکشی. بعد بایک چرخش روی لبه رمپ برگردی و به سمت پایین شریخوری. همان قدر که لذتش قابل تصور است، ترس و هیجانش هم تنت را مور مور می کند. زمین اسکیت بوستان ملت که قدمتی بیست و سه ساله دارد، جزو اولین زمین های اسکیت مشهد است. این زمین هم مانند رمپ هایش فرازونشیب های بسیاری را پشت سر گذاشته است. در دوره هایی نیمه تعطیل بوده و مجدداً فعال شده است. ابتدا از مینی کوچک تر بوده و بعد ها وسیع تر شده است. طی یک سال گذشته هم تجهیزات مختلفی به آن اضافه شده و تحولاتی داشته است.

●● شروع تمرین در کنار استخر چشم

زمین اسکیت بوستان ملت نزدیک حاشیه بولوار امامت و در نزدیکی شهر بازی قرار دارد. مساحت این زمین حدود ۴ هزار و ۵۰۰ متر مربع است؛ با وجود این خیلی ها بابت تفاوتی از کنارش عبور می کنند، به طوری که حتی بسیاری از قدیمی ها درباره آن اطلاع چندانی ندارند. مهدی نصرآبادی که از کودکی به پارک ملت رفت و آمد دارد، می گوید: از اواخر دهه ۷۰ این زمین بود ولی هیچ وقت واردش نشدم و آن را از نزدیک ندیدم. داوود هودا نلو ورزشکار هفتاد ساله ای است که از ۱۰ سال پیش برای ورزش به پارک ملت می آید، اما فقط یکی دو ماه است که متوجه زمین اسکیت شده است. بسیاری دیگر از شهروندان ورهگذاران پارک ملت نظری مشابه این ها دارند. اما سراغ قدیمی های رشته اسکیت که می رویم، حرف های بسیاری از تاریخچه تشکیل این زمین دارند. مهدی محمدپور روحی، از شهروندان قدیم محله آزاد شهر و جزو اسکیت بازان و اولین مربیان این رشته در مشهد است. به گفته او از حدود سال ۶۴ در مشهد اسکیت بازان در پارک ها و خیابان ها بازی می کردند ولی زمین مشخصی نداشتند. در پارک ملت نزدیک استخر چشم، یک زمین دایره ای کوچک بوده که رزمی کاران و دیگر ورزشکاران گهگاه از آن استفاده می کردند. چون این زمین صاف بوده است، اسکیت سواران هم گاهی از آن به عنوان زمین اسکیت استفاده می کردند اما مختص این رشته نبوده است. از حدود سال ۷۵ که انجمن اسکیت استان تشکیل شده، دغدغه ایجاد زمین برای این ورزش هم شکل گرفته است. او می گوید: آن زمان فقط در مجموعه ورزشی بولوار سجاد زمین اسکیت وجود داشت، آن هم فقط یکی دو ماه در طول سال فعال بود و باقی اوقات را اسکیت بازان در همین پارک ملت یا خیابان ها تمرین می کردند.

دسترسی راحت به پارک ملت و وجود مترو و خطوط متعدد اتوبوس باعث شده است که علاقه مندان به اسکیت بتوانند از نقاط مختلف شهر در این زمین حضور پیدا کنند

“

همراه با زائران اصفهانی که برای اولین بار از آرامگاه فردوسی دیدن کردند

زیبایی توس، فراتر از قاب تلویزیون

● استخرهای خالی از آب به چشم می آید

پری خانم، همسر و همسفر محمود آقا، شیرازی است و گشت و گذار در حافظیه و درختان نارنج آنجا را در ذهن دارد. او می گوید: درختان اینجا برخلاف درختان نارنج حافظیه غیرمثمر و بیبشرت تزئینی است. اما حوضچه پراز گل های نیلوفرش واقعاً زیباست و حس خوبی دارد.

آن ها از اینکه آب نماهای این مجموعه به ویژه حوض بزرگ روبه روی آرامگاه خالی از آب است، تعجب کرده اند و پری خانم با لبخند می گوید: اگر این استخرها و حوضچه ها پر آب بود و آب نماها کار می کرد، فضای آرامگاه فردوسی بزرگ، زیباتر و عکس های ما هم دیدنی تر می شد.



او از مهربانی خادم ها با آن پالتوهای تیره رنگ و نشان طلایی روی سینه شان هم چیزهایی در خاطر دارد و می گوید: خادم های کنار درهای ورودی با آن کلاه و عصای طلایی در ذهن کودکی من خیلی با ایهت و خاص بودند و همیشه در قلب و سینه ام به آن ها حس احترام داشتم.

● بالاخره قسمت شد

محمود آقا که خودش اهل شعر و دوستدار شاعران است، می گوید: آمدن به شهر تاریخی توس، زادگاه فردوسی بزرگ، از آرزوهای دیرینه من بود، اما هیچ وقت قسمت نمی شد تا به آرامگاه فردوسی بیایم. در این سفر که دختر و نوه ام نیز همراهان بودند، بین رفتن به طریقه و آمدن به آرامگاه فردوسی مردد بودند که قرعه به توس بزرگ افتاد و راهی اینجا شدیم.

او ایهت و شکوه آرامگاه توس و بنای زیبای آن را فراتر از تصورش و آنچه از قاب شیشه ای تلویزیون دیده بود، تعریف می کند و می گوید: اینجا که آمدم، آرامگاه فردوسی را با عظمت تر و پرا بهت تر از آنچه در تصورم بود، دیدم. به ویژه فضا سازی و محوطه سرسبز و زیبایش را طنین خوش موسیقی، خاطره انگیز تر و لذت بخش تر می کند.

فاطمه سیرجانی زاده لرستان است، اما از اصفهان، شهر زیبای زاینده رود، میهمان شهر امام رضا است. او وقتی خیلی کوچک بوده، چند باری با خانواده به شهر ما آمده است؛ آن زمان که هنوز مشهد به این بزرگی نبود و اطراف حرم سا ختمان های سر به فلک کشیده پا نگرفته بود؛ زمانی که گنبد طلای حرم امام رضا^(ع) از فاصله های دور دیده می شد و زائران می توانستند با دیدنش خم شوند به امام خوبی ها سلام کنند.

محمود جهانگرد فرهنگی بازنشسته است. او روان شناسی و ادبیات خوانده و به گفته خودش کتاب های شاعران بسیاری را خریده و خوانده است. محمود آقا بعد از بازنشستگی دوباره به همراه همسر راهی مشهد شده است. اما اولین بار است که پایه شهر توس گذاشته تا گشت و گذاری در آرامگاه ابوالقاسم فردوسی داشته باشد.

● خاطره اولین روبه رویی با خادمان مهربان آقا

شهر مشهد در نگاه این معلم بازنشسته، یعنی امام رضا^(ع)، یعنی خوبی و مهربانی، یعنی خیر و برکت. او با آنکه خاطرات محوی از سفرهای کودکی در ذهن دارد، شب های حرم و کوچه پس کوچه های اطراف حرم را که مثل روز روشن بود و تا خود صبح، آدم در اطرافش در آمد و شد، به یاد دارد و خاطره ای روشن و فراموش نشدنی برای او است. تعریف می کند: مغازه های دو قدمی اطراف حرم که هنوز بعضی از آن ها هست، برای من یادآور خاطرات دل چسب سفرهای کودکی است.

نوجوان محله سیدرضی تجربه های متفاوتی غیر از درس خواندن دارد

در میدان حرفه و هنر

یک شب در مراسم عزاداری مسجد داشتیم عبارتی را که مداح می خواند، با صدای بلند می خواندم. بعد از مراسم صدایم کرد و گفت «صدای خوبی داری. شب بعد تو هم بیا مداحی کن.» دهه فاطمیه بود و من با خواندن نوحه ای برای حضرت زهرا^(س)، مداحی را شروع کردم.

● چطور سر از تعزیه خوانی درآوردی؟

خیلی اتفاقی. در آژانس بودم و داشتم با خودم نوحه ای رازمزمه می کردم. راننده آژانس از صدایم خوشش آمد و من را به گروه تعزیه خوانی معرفی کرد. آنجا هم تست دادم و قبول شدم. ولی باز با مشکل مرخصی ندادن صاحب کار مواجه شدم. کارگردان همکاری کرد و قرار شد شبانه تمرینات تعزیه خوانی را انجام دهم. این شد که روزها سر کار بودم و شب ها بازیگری تمرین می کردم.

● از تجربه کار کردن در این سن و سال، برای هم سالانست بگو.

یکی از کارهایی که در شرکت انجام دادم، مربوط به پشتیبانی بانک ملی بود. به عنوان مثال صبح می رفتم کارهای برقی، شبکه و دوربین بانک ملی را انجام می دادم. هنوز آن تمام نشده اعلام می کردند باید به شعبه دیگری بروم. این طور جاها مرخصی بردار نیست. تا هر وقت شب که نیاز باشد، باید بمانی و کار را تمام کنی. حتی چند بار شده که به شهرستان رفته ام و از ۱۰ روز تا دو ماه آنجا مانده و کارهایشان را انجام داده ام. ولی الان که نگاه می کنم از خودم راضی هستم. سختی کشیدم اما حالا دارم بهره اش را می برم. در این سن، هم درآمد دارم هم بیمه.



امید محله

● با کارهای برقی آشنایی قبلی داشتی؟

اصلاً. بعد از شروع به کار، خودم دائم در اینترنت موضوعات برقی را مطالعه می کردم تا وقتی درباره اش سؤالی می پرسند، جوابش را بلد باشم.

● درست چه شد؟

اولش که وارد شرکت شدم، مرخصی نمی دادند. بین درس و کار باید یکی را انتخاب می کردم. رفتم سر کار تا درآمد داشته باشم و بعدش بتوانم درس را ادامه دهم. با سیکل وارد کار شدم. امسال که دیدم کار دستم آمده، برای ادامه تحصیل اقدام کردم و سه سال دهم، یازدهم و دوازدهم را دارم با هم در یک سال می خوانم.

● شنیده ام مداح هم هستی؟

فهمیده شهری دانش آموز، مداح، بازیگر تعزیه خوان، شاغل و نان آور، عنوان هایی است که علیرضا نصرتی اکنون در هجده سالگی آن ها را دارد. این نوجوان محله سیدرضی سختی ها و پستی و بلندی های بسیاری را در زندگی اش سپری کرده اما همه آن ها را طوری پشت سر گذاشته که حالا با لبخند و رضایت می گوید: از خودم و انتخاب هایی که داشتم راضی هستم. مشقت های بسیاری را تحمل کردم اما حالا دارم بهره اش را می برم.

● چه شد که وارد عرصه کسب و کار شدی؟

حدود چهار سال پیش، یک روز در پارک بودم که دیدم تعدادی مهندس دارند چراغ های برق را تعمیر می کنند. رفتم کمکشان کردم و به سرپرستان گفتم می خواهم مشغول کار شوم. او گفت از فردا بروم شرکت اما من از همان روز مشغول کار شدم. مهندس بالادستم به من گفت «یک هفته وقت داری که خودت را نشان دهی.» از آن یک هفته سه سال می گذرد و من در این شرکت مشغول کارم.





○ سید مرتضی مدرس نیا، از اهالی محله، می گوید: بعد از بیست سال اولین بار است که مراسم تعزیه خوانی به محله ما آمده است. استقبال خوبی هم شد و خیلی از بچه هایی که پای این اجرا نشستند، اولین بار است که این شبیه خوانی را می بینند.



○ سید جعفر شفاپور از خردسالی، شبیه خوانی را با طفل خوانی شروع کرده است. این پیشکسوت تعزیه خوانی همه این سال ها در نقش های خیر هنرنمایی کرده است.



تعزیه خوانی واقعه عاشورا در مسجد حضرت معصومه (س) برگزار شد اهالی مجیدیه پای مرثیه عاشورا

فاطمه سیرجانی ادرایام سوگواری امام حسین (ع) توبت به ساکنان محله مجیدیه و محله های هم جوار رسید تا شب جمعه گذشته در محوطه باز مسجد حضرت معصومه (س) و در کوچه شهید اندرابی شاهد اجرای تعزیه خوانی گروه «آل...» باشند. اعضای این گروه شبیه خوانی، این شب ها در محلات مختلف شهر، بساط روضه و تعزیه را پهن می کنند تا بینندگانشان را با واقعه عاشورا مانوس کنند.



○ وقتی بساط تعزیه در این معبر فرعی پهن می شود، مردم بانوای تعزیه شور می گیرند و خود را به دور میدان اجرایی رسانند تا در اینجا همراه تعزیه خوانان سوگ حسین (ع) را به یاد آورند.



عکس: خدیث فقیری/شهرآرا

○ کوچک ترین نقش این مراسم مربوط به حضرت سکینه (س) یا طفل خوان است که نقشش را معین، نوه سید جعفر، بازی می کند. معین علاوه بر سکینه خوانی در کنار یکی دیگر از هنرمندان خردسال، نقش فرزندان مسلم را ایفا می کند.